

یحیی سماوی مظهر آمریکایی ستیزی در شعر معاصر عراق

عبدالاحد غیبی^۱

دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

لیلا جباری

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

شعر مقاومت به عنوان نوع ادبی اثرگذار در میان انواع ادبی دیگر، به دلیل شرایط خاص حاکم بر کشور عراق از نمود بیشتری برخوردار است. شاعران مقاومت عراق، با استفاده از سلاح کلمه، گزارشی هنرمندانه از پایداری و مقاومت خود و مردم سرزمینشان در برابر ظلم و ستم ارائه داده‌اند. در این میان «یحیی سماوی» از جمله شاعران معاصر عراق است که با رژیم بعث حاکم بر جامعه‌ی عراق و اشغالگران آمریکایی به شدت مخالف است و سلطه‌ی هیچ‌یک از آن‌ها را بر نمی‌تابد. او با سلاح توانمند شعر، اعتراض خود علیه استبداد و به خصوص استعمار را اعلام کرده و به مبارزه و ستیز با بیگانگان پرداخته است. افشای جنایت‌های آمریکا در عراق، اعتراض به غارت این کشور توسط اشغالگران و... از جمله مفاهیم مقاومت و پایداری است که در آثار این شاعر کبیر معاصر عراقی تجلی یافته است. شاعر گاهی با کنایه و به یاری زبان طنز و گاهی با بیانی صریح، سعی در تبیین این مفاهیم دارد؛ او به مدد بازخوانی وقایع تاریخی نظیر واقعه‌ی دلخراش کربلا بر آن است فرهنگ مبارزه علیه مستکبران و استعمارگران را در دنیای عرب و به ویژه در کشور عراق گسترش دهد تا از این رهگذر جهان را با مفهوم واقعی عدالت اجتماعی، سیاسی آشنا سازد. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا اشعار مقاومت یحیی سماوی پس از اشغال عراق از سال ۲۰۰۳ تا پایان ۲۰۱۱م را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: عراق، یحیی سماوی، شعر عربی معاصر، مقاوم

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Abdolahad@azaruniv.edu

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۲۷

۱- مقدمه

ادبیات مقاومت، ادبیاتی است متعهد که آینه‌ی تمام‌نمای پایداری قهرمانانه‌ی یک ملت در برابر ستم و اشغالگری است. ادبیات مقاومت در مفهوم امروزی، پس از جنگ جهانی دوم و با انحصارطلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، اشغال فلسطین، تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان، مصر و انقلاب اسلامی ایران باعث آفرینش آثار یگانه‌ای در حوزه ادبیات مقاومت ملل شرقی و اسلامی شد (شکری، ۱۳۶۶، ص ۹۱).

ادبیات و جامعه ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارند، گاه مسائل اجتماعی خمیرمایه‌ی آفرینش‌های ادبی می‌گردند و گاه آثار ادبی در ایجاد تحولات اجتماعی مؤثر هستند. انقلاب‌های اجتماعی، ادبیات را از سیطره‌ی حاکمان مستبد و گروه اشرافی می‌رهانند و به میان جامعه می‌برند و در مقابل، ادبیات هم خواسته‌ها و مطالبات مردم و توده‌ها را بازتاب می‌دهد. این رابطه‌ی دوسویه در ادبیات مقاومت، رنگ بیشتری به خود می‌گیرد، چرا که این پایداری و ایستادگی یک ملت در برابر بیگانگان است که زمینه‌ی پیدایش ادبیات مقاومت را فراهم می‌نماید و در دیگر سوی، ادب مقاومت نیز به نوبه‌ی خود در برانگیختگی احساسات توده‌های مردم و سوق دادن آن‌ها به سوی ستم‌سوزی و بیگانه‌ستیزی نقش مؤثری ایفا می‌کند.

قرن بیستم عراق را می‌توان قرن بیداری فکری در این کشور نامید، در این قرن شاعران بسیاری علیه استبداد و استعمار به پا خاستند. مردم عراق سال‌ها تحت سلطه‌ی حاکم مستبدی چون صدام حسین بودند و با ورود اشغالگران آمریکایی به عراق در سال (۲۰۰۳م) از ظلم حکومت بعث‌رهای یافتنده ولی در ورطه‌ی ظلمی دیگر از سوی متجاوزان آمریکایی افتادند که همه‌ی این اتفاقات در عراق، از شعر تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذاشته است، چنان‌چه یحیی سماوی این شاعر بزرگ معاصر، که اشعار مقاومتش در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، رژیم بعث را طاعون و آمریکایی‌ها را خود مرگ می‌نامد.

مقاله‌ی حاضر پس از بیان مختصری در خصوص ادبیات مقاومت در عراق و زندگی و ویژگی اشعار یحیی سماوی، مفاهیم آمریکایی‌ستیزی در اشعار این شاعر را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. اما گفتنی است آنچه که این مقاله را ممتاز می‌سازد سختی جمع‌آوری اطلاعات در خصوص شاعر و آثار و احوال او بود چرا که سماوی شاعری است معاصر که آوازه و شهرت ادبی‌اش به تازگی در محافل ادبی کشورمان مطرح شده است و به همین دلیل پژوهش‌های چندانی در ایران، پیرامون این شاعر سرشناس عراقی صورت نگرفته است و تا آن‌جا که نگارندگان اطلاع دارند دو مقاله‌ی ارزشمند با عنوان‌های (استدعاء شخصية الامام الحسين (ع) فی شعر یحیی السماوی، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره‌ی ۲۷) و (موتیف النهر و البحر فی شعر یحیی السماوی، مجلة العلوم الإنسانية الدولية، العدد الأول) به چاپ رسیده است.

۲- ادبیات مقاومت در عراق

ادبیات مقاومت به طور عمومی به جریانی در ادبیات گفته می‌شود که به مقاومت یک ملت در برابر دشمنان، اعم از قدرت‌های ظالم داخلی یا نیروهای مهاجم خارجی و مسائل جانبی آن با بیانی مؤثر می‌پردازد. ادبیات مقاومت در کنار قالب‌های دیگر ادبی متولد شده و نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه، در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید و اصلی‌ترین مسائل در حوزه آن، دعوت به مبارزه، ترسیم چهره‌ی بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، گشودن افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، جان‌فشانی‌های مبارزان راه آزادی و بزرگداشت شهدای آن است. این نوع ادبیات، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر همواره به مثابه‌ی ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیا، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است (کنفانی، ۱۳۶۲، ص ۱۷).

ادبیات مقاومت، تعبیری از خودآگاهی و آزادی‌خواهی در رویارویی با دشمن است؛

و چون با ستایش ارزش‌های والای انسانی همراه است، ریشه‌ی آن را می‌توان در تمامی مکاتیبی که داعیه‌ی رشد و تعالی انسان را دارند جستجو نمود. مقاومت و پایداری به لحاظ نظری، در ردیف معانی دهگانه‌ی شعر نظیر مدح، هجا، مرثیه، غزل... که قدما در شعر مطرح می‌کردند وجود نداشته است (شمیسا، ۱۳۷۶، ص ۳۶).

بین دو جنگ جهانی، ادبای عراق از استعمار رنج می‌بردند و گرایش رمانتیک بر غالب آثار آنها سایه افکنده بود. پس از جنگ جهانی دوم وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عراق مطلوب نبود و تمام شعرا و هنرمندان در پی این بودند که دری جدید به سوی ادبیات بگشایند که در بر گیرنده‌ی تمام نگرانی‌ها و شک و تردیدها باشد. در این وقت دردهای ناشی از جنگ، نبود امنیت و تسلط دیکتاتورها سبب تکان‌های اجتماعی و فکری در عراق شد و در مضمون اشعار شاعران تاثیر گذاشت و چنین بود که شعر عراق ارتباط شدیدی با واقعیت و آمیختگی زیادی با سیاست پیدا کرد و میراث تاریخی و ادبی قدیم این کشور در کنار واقعیت‌ها انعکاس پیدا نمود.

جنبش ادبی در عراق به دنبال تحولات فرهنگی و سیاسی به وجود آمد و این حرکت، نخست از سوی پیشتازان هنر و ادب بوده است که در آغاز گرایش سیاسی و فرهنگی داشت، چرا که فرهنگ همان ریشه‌ی مشترک بین ادب و سیاست می‌باشد. ارتباط بین ادب و سیاست ارتباطی است که با وجود اختلاف و خصوصیات متفاوت مربوط به هر کدام، بر هم تاثیر متقابل می‌گذارند. با در نظر گرفتن این معیار، منطقی است که تغییرات سیاسی به میدان ادب و هنر تاثیر گذارد. جنبش فرهنگی در عراق تا ربع اول قرن بیستم آرام بود و این به دلیل سیاست عزلت‌گزینی فرهنگ و ادب عراق از جهان فرهنگ و ادب بوده است (علوان، ۱۹۷۸، ص ۳۹۸).

بعد از این دوره، دری به سوی ادبا گشوده می‌شود و حوادث سیاسی که به دنبال برخی انقلاب‌ها، پررنگ گشته بود حضور قوی در اشعار پیدا کرد؛ چنانچه شعرا صدایشان را به صدای اعتراضات گره زدند و با تأثیرپذیری از میراث ادب و تاریخ عرب به سیاست اشغالگران هجوم برده و احساساتشان را در راه وطن دوستی به کار بستند و به مبادی اصلاح روی آوردند. از بارزترین شاعران در این دوره می‌توان به

یحیی سماوی مظهر آمریکایی ستیزی در شعر معاصر عراق ۱۶۹

معروف الرصافی، جمیل صدقی الزهاوی، بحر العلوم، احمد صافی النجفی، محمد مهدی الجواهری و... اشاره کرد.

۳- زندگی نامه ی یحیی سماوی

سماوی که از شاعران معاصر شیعی عراق می باشد در سال (۱۹۴۹م) در شهر «السماوة» عراق به دنیا آمد. وی پس از پشت سر نهادن دوران متوسطه، در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه «المستصریة» بغداد، در رشته ی ادبیات عربی در مقطع لیسانس، فارغ التحصیل شد. او هم چنین در عراق و عربستان سعودی به تدریس و روزنامه نگاری مشغول بوده است و سپس در سال ۱۹۹۷ بر اثر ظلم و استبداد نظام دیکتاتوری صدام حسین، عراق را به امید بازگشت دوباره به آن ترک کرده و راهی استرالیا شد. او هم اکنون ساکن کشور استرالیا می باشد (سعود، ۱۹۹۵، ص ۶۷۶).

پاره ای از مجموعه های شعری سماوی عبارتند از: عیناک دنیا (۱۹۷۰)، قصائد فی زمن السبى و البكاء (۱۹۷۱) قلبی علی وطنی (۱۹۹۲)، من أغانی المشرّد (۱۹۹۳)، جرح باتساع الوطن (۱۹۹۴)، الاختیار (۱۹۹۴)، عیناک لی وطن و منفی (۱۹۹۵)، رباعیات (۱۹۹۶)، هذه خیمتی... فأین الوطن (۱۹۹۷)، نقوش علی جذع النخلة (۲۰۰۸)، شاهدة قبر من رخام الكلمات (۲۰۰۹)، زنابق البریة (۲۰۰۳)، قلیلک... لا کثیرهن (۲۰۰۶)، لماذا تاخرت دهرا (۲۰۱۰)، مسبحة من خرز الكلمات (۲۰۰۸).

دیوان «نقوش علی جذع نخلة» یکی از دیوان های شعری سماوی است که در مراسمی در روز سه شنبه برابر با (۲۸/۱۰/۲۰۰۸ م) با نام «معجم الباطین لشعراء العربیة فی القرن التاسع عشر و العشرين» که در کویت برگزار شد، جایزه ی برترین دیوان شعری را از آن خود کرد (الکامل، ۲۰۰۸).

قطعات و قصائد سماوی در روزنامه ها و مجلات عراق، استرالیا، مجله ی دانشکده ی هنر و ادبیات دانشگاه لویزیانای آمریکا و مجله ی دانشگاه سیدنی استرالیا چاپ می شود. شخصی به نام "ایفا سالیس" شاعره ی استرالیا اشعار او را به صورت گلچین های شعری با عنوان «Tow Banks With no Bridge» منتشر کرده است. هم چنان که منتخبات

شعری دیگری از او به زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، آلمانی، فارسی و ... ترجمه شده است.

سماوی در جشنواره‌های ادبی فراوانی شرکت کرده است و بسیاری از منتقدان عرب و غیر عرب برای آثارش نقدهایی نوشته‌اند: د. علی جواد الطاهر، د. عبد الملک مرتاض، د. عبد العزیز المقالح، د. عبد الله باقازی، د. غازی القصیبي، د. عبد العزیز الخویطر، د. جمیل مغربی... از جمله منتقدان و ادبایی هستند که آثار این شاعر بزرگ عراقی را مورد نقد، بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند.

۴- یحیی سماوی و آمریکایی‌ستیزی

از آن زمانی که شیطان بزرگ آمریکا قدم در سرزمین عراق نهاد ملت بزرگ این کشور و در رأس آنان؛ روشنفکران، ادیبان و شاعران حضور این دشمن غاصب را تحمل نکرده و با انواع روش‌ها سعی بر مبارزه علیه او نهادند. یحیی سماوی این شاعر سرشناس عراق قافله سالار شاعران و ادیبان عراقی است که با خلق آثار کم بدیلی سعی دارد مردم عراق و همراه با آن، جهانیان را بر علیه آمریکا شورانیده و جنایت‌های او را در اشعار خود به تصویر بکشد.

۴-۱- افشای جنایت‌های آمریکا در کشور عراق

در دوره‌های مختلف تاریخی، واقعه‌ی عاشورا الهام‌بخش بیداری ملت‌ها از خواب غفلت در برابر ظلم بوده است. شاعران مقاومت معاصر هم از این واقعه‌ی اثر گذار غفلت نکرده‌اند و با الهام از آن، سعی در بیداری ملت‌ها داشته‌اند. سماوی هم با خمیر مایه قرار دادن این عصاره‌ی تاریخی، ابیاتی را با هدف بیداری ملت سروده است. شعر او گویای این حقیقت است که مردم بی گناه عراق به کدامین گناه کشته می‌شوند! آیا به جرم اینکه در گرمی‌داشت روز عاشورا در خیابان‌ها حضور داشتند! شاعر با این اشعار اعلام می‌کند که ظلم ظالمان جریان کربلا هنوز بر جاست و ملت فکر نکنند که ظلم ظالم در کربلا خاک شده است، بلکه ستم بیگانگان و متجاوزان در خاک وطنشان وجود

دارد و بر مردم است که به فکر مبارزه با ظالم باشند.

طفلٌ بلاساقین / وطفلةٌ مشطورةٌ صفةٌ وطاقین / دون ید / اوامراً مقطوعةٌ الذهدین / کؤةٌ فقیمةٌ
«الحسین» لجمعٍ مهلخصادٍ طلقتین / بملا / لمرّت / بـ «کربلاء» «تجیة لیوم» «عاشوراء» (سماوی،
۲۰۰۶، ب ۱۲۵)

(پسر بچه‌ای بدون پا / دختر بچه‌ای نصف شده / طاعون گرفته‌ای بدون دست / زنی با
سینه‌های بریده / و شکافی در گنبد امام حسین (ع) / همه‌ی این‌ها: حاصل شلیک گلوله-
ی تانکی است / در کربلا / به خاطر گرامی‌داشت روز عاشورا!)

شاعر از وحشی‌گری‌های آمریکا می‌گوید که آنان چگونه به قتل و عام مردم عراق
در روز گرامی‌داشت عاشورا دست زدند و پسر بچه‌ای را بدون پا، دختر بچه‌ای نصف
شده، طاعون گرفته‌ای بدون دست، زنی سینه بریده و شکافی در گنبد حرمین را به
وجود آوردند که همه‌ی این‌ها حاصل شلیک گلوله‌ای از تانک آمریکایی‌ها بود. شاعر با
بیان مفاسد آمریکایی‌ها در خاک عراق، ننگ بر پیشانی آنان می‌گذارد و عملکردشان را
به باد انتقاد می‌گیرد و این‌گونه است که به آمریکایی ستیزی می‌پردازد. شاعر به رفتار
زشت و وحشیگرانه‌ی آمریکایی‌ها اشاره دارد که چگونه حرمت امام حسین (ع) را نگه
نمی‌دارند و قصد تخریب گنبدش را می‌کنند و مردم را به جرم احترام به امام حسین
(ع) و عزاداریش به خاک و خون می‌کشند. بزرگداشت یاد امام حسین (ع) عنصر کار
شاعر برای بیدار کردن مردم عراق در برابر ستم بیگانگان است که با آن شناخته می‌شود
و با آن، بن‌مایه‌های هنری وی شکل می‌گیرد.

یاد عزاداری حسینی در این بخش از شعر شاعر، نوعی هماهنگی و همسان‌سازی آن
با واقعیت‌های اجتماعی-سیاسی و هشدار برای مردم در جهت تشویق آنان برای
مقابله با دشمنان اسلام و ائمه (ع) می‌باشد. به اعتقاد شاعر راز ماندگاری و تأثیر گذاری
شعر، در بکارگیری مفاهیم بلند مذهبی می‌باشد و هر قدر مفاهیم بکار گرفته شده در
شعر شاعر از پشتوانه‌ی عظیم فرهنگی مذهبی برخوردار باشد ماندگاری آن نیز بیشتر
خواهد شد. البته باید این نکته را نیز اشاره کرد که این مسئله یکی از عواملی است که
به شخصیت یک شاعر نیز ارج و اعتلا می‌بخشد؛ داشتن پشتوانه‌ی فرهنگی و ذهنی

غنی و قوی، شاعران را از تعلق به ملت، رنگ و فرهنگ خاص جدا می‌سازد و از او چهره‌ی جهانی می‌آفریند و شکی نیست که یاد مفاهیم عاشورائی زیباترین، پاک‌ترین، انسانی‌ترین و در یک کلام، نورانی‌ترین مفاهیم موجود در قاموس فرهنگ بشری است که امام حسین (ع) با شهادت خویش آن‌ها را بر صحنه‌ی هستی به تصویر کشانده است.

سماوی در قسمت دیگری از اشعارش به تقسیم مردم عراق به دو گروه می‌پردازد تا مظلومیت مردم عراق و ظلم‌هایی را که به این مردم بی‌گناه وارد می‌شود به تصویر بکشد، وی در قصیده‌ی «مقاطع من قصیده ضائعة» از دیوان «بکاء علی کتف الوطن» این‌گونه می‌سراید:

الناسُ فَنَحْلِقُوا عَلِيَّ صَنْفِينِ / فِي الْأَرْضِ الْعِرَاقِ : نِلْهَاقُ بِالْأَسْرِ وَرَأْسُ دَوْضَاقِ
(سماوی، ۲۰۱۰، ص ۱۲۴)

(مردم بر دو گروه خلق شده‌اند/ در/ سرزمین عراق: پای بدون سر... / سر بدون پا)
سماوی برای ستیز با بیگانگان از زبان طنز استفاده می‌کند و آمریکایی‌ها و ادعاهای دروغین آن‌ها را به باد انتقاد می‌گیرد؛ وی در قصیده‌ی «من تمثال الحرية في نيويورك» چنین می‌سراید:

أَيْلِهَابُ الرُّحَامِ نَهْتَصَ كَبَلًا شَنَّ قَلْقَيْسَ مَشَعُ لَلْإِلَاحِ رِيَّةَ مَا تَرْفَعُهُ... / خَفَضَ
يَدَكَ.. فَلَإِي نَتَاغُونَ يَرَاهُ فِتْيَانُ الْجِرَاقِ قَوْلِ الْعَالَمِ... / وَال «c.I.a» تِلْهَاقُ يَنْفَلِئُ مِمَّا صَالَ رِقَابِ
مِنْ فِضِّ الْأَنْحِ نَالِئُ لَهْ «عَبْدُ الْأَبْيَضِ»... (سماوی، ۲۰۰۹، ص ۷۹)

(ای تمثال مرمری برافراشته شده هم‌چون چوبه‌ی دار/ آن‌چه را که بلند می‌کنی مشعلی برای آزادی نیست/ دستانت را فروکش/ که پنتاگون آن را شعله‌ای می‌بیند/ برای آتش زدن مزارع جهان/ و «سیا» به آن هم‌چون شمشیری می‌نگرد/ برای قطع نمودن گردن کسانی که از تعظیم/ در برابر خدایان کاخ سفید سرباز می‌زنند.)

شاعر در این بخش از اشعارش، تمثال آزادی بر افراشته شده، در شهر نیویورک را مورد تمسخر قرار می‌دهد و آن را چوبه‌ی داری معرفی می‌کند که مشعل برافراشته شده در دستش، در نگاه پنتاگون و نیروهای آمریکایی، تنها فتیله‌ای برای سوزاندن جهانیان

است و سازمان سیا، آن را شمشیری برای قطع گردن کسانی می‌داند که در برابر خدایان کاخ سفید ایستادگی کنند. شاعر سعی بر افشای ادعاهای دروغین سران آمریکا برای ایجاد دموکراسی داشته و در پی اثبات این نکته است که شعار آن‌ها برای ایجاد دموکراسی، دروغی بیش نیست.

آمریکایی‌ها پس از ورودشان به خاک عراق، نابسامانی‌های زیادی به وجود آوردند از زندان ابوغریب که شکنجه‌های زیادی در آن صورت می‌گیرد تا بی حرمتی به ملت اسلامی و زنان بی گناه عراقی:

یلزمچیل* / من «غوانتانامو» حتی «أبوغریب» لاشراً علیهم م^۱ بتكرات شرطة أمريكا/ فی فن^۲ التعذیب... / یلزمی قلب «هولاکو» و ضمیر «تیمورلنگ» لالأعرف^۳ حجم لذة المحرر الأمريكي/ بعد اغتصابه زهرة الله «عبیر قاسم حمزه» قبل رش صدرها بالرصاص/ و إیقاد النار فی جسدھا (سماوی، ۲۰۰۹، صص ۸۰-۸۱)

(ریسمانی همراه من است/ از زندان گوانتانامو تا ابو غریب^۱/ برای اینکه انتشار دهم/ آخرین ابتکارات پلیس آمریکا را/ در فن شکنجه/ این کار من را مجبور می‌کند قلبی چون قلب هولاکو و وجدان تیمورلنگ را داشته باشم/ تا این که اندازه لذت گزارشگر آمریکایی را بدانم/ بعد غضب شکوفه‌ی الهی «عبیر قاسم حمزه»/ قبل این که سینه‌اش را گلوله باران کنند/ و قبل روشن کردن آتش در جسمش).

ابیات بالا به فاجعه حتک حرمت بانوان عراق از سوی نیروهای مهاجم آمریکایی اشاره دارد؛ «عبیر قاسم» اسم دختر نوجوانی است که نیروهای اشغالگر در خیابان او را دنبال می‌کنند و بعد از هجوم به منزل این دختر و حتک حرمتش، تمام خانواده او را در منزلشان به آتش می‌کشند تا آثار جرمی باقی نماند. از این قبیل وحشیگری، بارها در عراق تکرار گشته بی آنکه عاملانش به سزای عمل خود برسند! شاعر در این ابیات سعی در افشای مفاسد نیروهای بیگانه در خاک عراق و بیان مظلومیت مردمش دارد، چگونه است سربازان آمریکایی که این مفاسد را به بار می‌آورند ادعای ایجاد دموکراسی و عدالت را می‌کنند درحالی که خود هیچ بویی از دموکراسی و انسانیت نبرده‌اند!

۴-۲- اعتراض به غارت رفتن سرمایه‌های ملت عراق توسط آمریکایی‌ها

اشعار سماوی، بازتاب اوضاع سیاسی- اجتماعی عراق، بعد از تجاوز آمریکایی‌ها به عراق می باشد. شاعر با زبانی ساده و گویا انزجار خود را از حضور و نحوه‌ی عملکرد آمریکایی‌ها بیان می کند و در دیوان «مسیحة من خرز الکلمات» این گونه می سراید:

لَسْنَهِنَّوَدْمٌ رَأً.../فلماذا يريدوننا؟ تَنَايِحْتُونُ بُسْتَانَاكَامِ لَأْ /كَلْمَبَاتٍ عَتَشِبَةٌ
 فرج.../يهدموننا بِأَكَامِ لَأْ /كَلْمَبَاتٍ يَنَايِيَا طِينِيَا.../أخذوا قَتِيرَةَ الوَطْلِ لِلْحِمِّ وَ
 الحليب.../وأعطوا لثأثَ والحوافِر... (سماوی، ۲۰۰۸، ب، ۱۰۱)

(ما سرخ پوست نیستیم.../ پس چرا نابودی ما را می خواهند؟ بوستانی کامل را از بین می برند/ هرگاه گیاه شادی روید/ به صورت کامل نابود می کنند/ هرگاه خانه‌ای گلین بنا کردیم.../ از گاو وطن، گوشت و شیر گرفتند.../ و برای ما مدفوع حیوانات و پس مانده‌هایش را بخشیدند).

شاعر در این ابیات از دست دشمن گلایه می کند که چرا دشمن خواهان نابودی آن- هاست و بوستان و آبادی ایشان را نابود می سازد و گوشت و شیر گاو وطن را می گیرد و فضله‌هایش را برای مردم وطن می گذارد. سماوی در این ابیات از به غارت رفتن سرمایه‌های ملی توسط آمریکایی‌ها به درد آمده و درد شاعر از این ناحیه به قدری زیاد است که با احساسش عجین شده و در قالب شعر نمایان گشته است، شاعر با بیان دردهایش با بیگانگان به ستیز می نشیند و مردم را به حفظ سرمایه‌های ملی هشدار می- دهد.

سماوی در قصیده‌ی دیگر، شعری را با مضمون شعر پیشین می آورد و از این که سرمایه‌های ملی و وطنش را بیگانگان به غارت می برند ابراز ناراحتی می کند، شاعر شعرش را در این مضمون با آه حسرتی این گونه شروع می کند:

آه وَ طَيِّحِ أَنِي أَمَلَا كَمْ نَكْغَيْرِ التَّرُّ ابَالْعَالِيحِ ذَائِي؟/يا سَادِئِلُو لَأة/ فِي سَدَائِنِ
 الْأَحْرَبِ/بِعِ كُحْمِهِ نَةً /الهِلَكَ الْأَمْرَ عَلِي لِحَامِ هِفَلْ كَيْفِ لَشَعُوبِ تَأْتِيهِمْ هِرْ جَانْحَلِيْنِ
 يَقُودُ رَكْبَهُ حَصِيكَةً/ هُ الْمُحْتَلُّ. وَاللَّافِ كَلْمُ /و نَبُوذُ... و الجبان؟ (سماوی، ۲۰۰۸، ب، ۸۳-۸۲).

(آه ای وطنم/ همانا من از تو مالک نیستم/ غیر خاکی را که به کفشم چسبیده/ ای

سرورانم/ در شهرهای غم/ همه‌ی شما اسب‌های نری هستید/ که به لگامش تملک ندارد/ پس چگونه ملت جشنشان را برگزار کنند/ در حالی که لگام اسبش را مرکب داری می کند/ اشغالگر... دروغگو/ فرد طرد شده... و ترسو!

این اشعار مثل ابیات پیش، از سرمایه‌ی به غارت رفته‌ی کشور عراق سخن می‌گوید. شاعر وطنش را ندا می‌دهد و می‌گوید ای وطنی که برای تو و در راحت عذاب کشیده‌ام ولی با این وجود از تو به من خاکی رسیده است که به کفش‌هایم چسبیده است. شاعر با بازگویی این واقعیت‌ها برای مخاطب، سوال‌هایی را در ذهنشان پدید می‌آورد که اگر از سرمایه‌های ملی کشوری به ملتش چیزی نمی‌رسد پس این سرمایه‌ها به کجا می‌رود و اینجاست که شاعر به هدف خود که همان بیدار کردن مردم کشورش در برابر تجاوزگری هاست می‌رسد.

بار دیگر شاعر در دیوان «مسبحة من خرز الکلمات» از فقر و به غارت رفتن سرمایه‌های ملی توسط بیگانگان صحبت می‌کند و از سرمایه‌های عظیم ملی کشور عراق که نفت است سخن می‌راند؛ نفتی که از عوامل اصلی طمع بیگانگان به کشور عراق بوده است.

بماذا يغويكعاشقُ / لا يملك من «بحر نفط الوطن» لئلا واحداً فانوسه / في الوطن المعروض
للإيجار (سماوی، ۲۰۰۸، ب، ۹۷)

(برای چه عاشقی تو را گمراه کند/ در حالی که از دریای نفت وطن مالک نمی‌شود/
حتی یک لیتر برای فانوسش/ در سرزمینی که اجاره داده شده).

هم چنین در اعتراض به غارت رفتن اموالشان می‌سراید:

و لهم باسمِ إلهِ الحربِ يفيضُ لُ مرمائدةِ الجنةِ والنارُ لنا...! / و لهم متكنزُ الأرضُ من
النفطِ ...! / وَ فَطْلُهُ نَزَّ لِلزَّفْتِ لنا...! (سماوی، ۲۰۰۸، الف، ۴۳).

(برای آنها «اجنبی‌ها» به اسم الهه‌ی جنگ/ بهترین غذاهای بهشت است/ در حالی که
آتش برای ماست/ برای آنها نفتی است که زمین در خود گنجینه کرده است/ و آب
بینی بز و چرکش برای ماست!)

شاعر بار دیگر زبان به گلابه و اعتراض می‌گشاید، که چرا عراق با وجود دارا بودن

ثروت فراوان باید در فقر به سر ببرد و بیگانگان از ثروت این کشور ثروتمند بهره بگیرند! او اوج ناراحتی خود را با بکار بردن تعبیرات زیبایی به تصویر می کشد؛ از ثروت‌های وطنش به عنوان غذاهای بهشتی تعبیر می‌کند که با وجود این‌که این نعمت‌ها به اهلش تعلق دارد بیگانگان آن‌ها را به غارت می‌برند و صاحبان اصلی‌اش را در آتش باقی می‌گذارند. وجدان بیدار شاعر فریاد می‌زند که حق گرفتنی است و با این فریادها می‌خواهد وجدان‌های بیدار را با خود همراه سازد تا بیگانگان را از سرزمینشان بیرون برانند.

۴-۳- انتقاد از حضور آمریکایی‌ها در کشور عراق

آمریکایی‌ستیزی نه برخوردی متعصبانه با یک ملت مستقل و نه نوعی ملی‌گرایی افراطی است. آمریکایی‌ستیزی یعنی مقابله با یک فرهنگ خاص که آن را فرهنگ «آمریکایی» می‌نامیم. بنابراین «آمریکایی» بودن تنها به کسانی که در آمریکا متولد شده‌اند یا به بنیانگذاران آمریکا تعلق ندارد.

«آمریکایی» به تمام کسانی اطلاق می‌شود که با این فرهنگ خاص زندگی می‌کنند. بر این اساس، مفاهیم جغرافیایی و نژادی در این بحث جایی ندارد. خصوصیت اصلی این فرهنگ «تحمیلی» بودن آن است. تحمیل خواسته‌های گروهی از افراد بر کل بشریت. اساس آمریکایی‌ستیزی نیز مقابله با این فرهنگ است. مکتب «آمریکایی‌ستیزی» در برابر یک نظام تحمیلی جهانی و رهبران آن قرار گرفته و به همان اندازه که برای نجات مردم محروم جهان از سلطه‌ی آمریکا تلاش می‌کند، برای رهایی مردم آمریکا که خود نیز قربانی این نظام شده‌اند تلاش خواهد کرد.

اشعار مقاومت یحیی سماوی سراسر خشم و تحدی علیه غاصبان و گویای آشتی ناپذیر وی با اشغالگران سرزمین عراق است، خشم و تحدی شاعر علیه دشمن اشغالگر در قصیده‌ی «اخرجوا من وطنی» هویدا است. شاعر در این قصیده با زبان شعری رسایش فریاد می‌زند که از سرزمین من خارج شوید. از عنوان قصیده معلوم است که شاعر به هیچ طریقی قصد سازش با دشمن تجاوزگر را ندارد:

فأخْرِجُوا مِنِّي الْبُودُقَةَ لَّ لَا يُمْكِنُ تُلْفِيحُهُ شَاءَ لَلْحَمَامِ فَأَخْرِجُوا مِنِّي
وَ طَنِي.../.../فأخْرِجُوا مِنِّي.../نحن مهزومونَ مِقْبَلِ ابتداءِ الحربِ.../فأخْرِجُوا مِنِّي
/وامنْ حَوْقَ رِصَّةِ الدَّفْنِ لِموتَانَا/وَنُخْرِجْ مِتْحَتِ الرُّحَامِ شَاءَ بِمَلَأَ عُمُرَ الفِطَامِ (سماوی،
۲۰۰۶، ب، ۸-۱۱)

(از وطنم خارج شوید/ کلاه خود اشغالگر، ممکن نیست که لانه‌ای برای کبوتر شود/ از
وطنم خارج شوید/.../ ما قبل از شروع جنگ شکست خورده‌ایم.../ از وطنم خارج
شوید/ و فرصت دفن برای مرده‌های ما بدهید/ که خارج کنیم از زیر اشیای
انبوه/جسد‌هایی که در سن شیرخوارگی اند).

شاعر در این ابیات از آمریکایی‌ها به تندی می‌خواهد که از وطن او خارج شوند
چون در شرایطی که وطن تحت اشغال باشد آرامشی برای زندگی نیست تا آنجا که
مردم فرصتی برای دفن از دست رفتگان‌شان پیدا نمی‌کنند. شاعر برای بیان شرایط
آشفته‌ی ناشی از حضور بیگانگان در کشور عراق از نماد استفاده می‌کند و «خوذة
المحتل: کلاه سربازان اشغالگر» را برای شرایط آشفته‌ی جامعه که توسط اشغالگران
پدید آمده و «حمام: کبوتر» را برای افراد جامعه‌ی عراق که خواهان آزادی هستند نماد
می‌آورد. سماوی با بیان درد و رنج‌های مردم عراق همه بدبختی‌ها را حضور و دخالت
آمریکایی‌ها در وطنش می‌داند و به همین دلیل از آن‌ها می‌خواهد که از وطنش خارج
شوند.

طبیعی است که ادبیات همیشه با یک موضوع و با یک زبان خاص بر روی مسئله-
ی مقاومت کار نمی‌کند، بلکه از شیوه‌ها و سبک‌های گوناگون برای بیان مفاهیم
پایداری و مقاومت بهره می‌برد و این باعث پدید آمدن دیدگاه‌های متفاوت نسبت به
موضوع مبارزه و مقاومت شده است. یکی از این مواضع اعتراض و مبارزه بر علیه نظم
موجود بر جامعه است که این نوع موضع‌گیری در شعر یحیی سماوی وجود دارد و
شاعر اعتراضش را در قصیده‌ی «نقوش علی جذع النخلة» با تصویری از اوضاع
نابسامان عراق این‌گونه بیان می‌کند:

ز مَیْلِنِ الخُوذةِ وَ الدَّفْنِ الجماعي/ وَ قَانُونِ وَ حُشِّ الغابِ/ متي یخترعون نطلقةً تَمُرُّ بِالطُّفْلِ مَن

الجندی / أوفديفة تمّ كيز الحانة و المبعي من المخراب؟ / وشنطة التلميد من حقيبة الإرهاب؟ / متي يغادر الأعراب/ بستان فيلبتة عيل النخل كبرياء ه / ويستعلهر ه التراب؟ (سماوی، ۲۰۰۶، ب، ۱۲۶-۱۲۷)

(ای روزگار کلاه خود «جنگ و سلطه» و دفن گروهی / و قانون وحشی های جنگل / کی تیری خواهند ساخت / که کودک را از سرباز باز شناسد؟ / یا خمپاره ای / که میکده و فاحشه خانه را از محراب تشخیص دهد؟ / و کوله پشتی دانش آموز را از کیف ترور؟ / کی بیگانگان ترک خواهند نمود / بستانمان را / و نخل، دیگر بار، بزرگی خود را باز خواهد یافت / و خاک به پاکی خود باز خواهد گشت).

گاه زبان شعری سماوی در اشعارش تغییر می کند و برای این که مردم را هوشیار کند از آرزوهایش برای مردم و وطنش می گوید. این شاعر عراقی، در یکی از زیباترین قصاید خود در هشتادمین قصیده از دیوان «مسبحة من خرز الکلمات»، عید خود را زمانی می داند که بستان و وطنش از وجود خوک های اشغالگر، پاک شود:

لاعلاقة لأعيادي هوية لال في السماء / اوراق تقويم عليج مدار... / أهلك كل طفل / : / الدمية... الأرحوحة... / والحقيبة المدرسية... / وكل عاشق من أيل رته قيثارة ه... جو ديقه نجواه... / أتكفنونوا غير الدم عن الدوران... / و تغدو أرغفة الجياح كبر من الصحن والصحن أكبر من المائدة... / ويظهر بستان الوطن / من خنازير الاحتلال! (سماوی، ۲۰۰۸، ب، ۸۶)

(عید من هیچ ارتباطی با رؤیت هلال ماه / و برگ های تقویم بر روی دیوار ندارد / عید من روزی است که / هر کودکی داشته باشد: / یک عروسک... یک تاب... یک کیف مدرسه / و هر عاشقی داشته باشد: / دستمال شادی... گیتار... باغ نجوا / عید من روزی است که چرخ آسیاب خون / از حرکت باز ایستد / و قرص نان گرسنگان بزرگتر از بشقاب / و بشقاب بزرگتر از سفره باشد / و بستان وطن پاک شود / از خوکان اشغالگر). شاعر عید خود را زمانی می داند که هم وطنانش در آسایش و راحتی به سر ببرند، او بر خلاف سایر مردم، فرا رسیدن عید را از روی هلال ماه یا تقویم روی دیوار نمی - فهمد، بلکه عید او زمانیست که هر کودک هم وطنش عروسک، کیف مدرسه و تاب، و هر عاشقی، دستمال شادی، گیتار و باغ نجوا داشته باشد و کشت و کشتار متوقف شود

و همه‌ی گرسنگان در سفره‌شان غذا برای سیر شدن داشته باشند. شاعر آرزوهایش را بیان می‌کند تا این آرزوهایش به آرزوی مردم تبدیل شود و مردم برای رسیدن به این آرزوها از خود تلاشی انجام دهند و به آزادی و رهایی از دست بیگانگان برسند.

سلاح کلمات سماوی مقصودش را به خوبی به هدف می‌رساند، خصوصاً زمانی که این سلاح با خشاب رمز و نماد همراه باشد. ابیات زیر تعدادی از واژه‌هایی را که به طور نمادین به کار رفته است به تصویر می‌کشد:

نَحْنُ سِلَاحٌ بَدِ الْخَنْزِيرِ بِالذَّنْبِ / وَلَا لَطَاعُونَ لَسُلِّ لَمْ وَمَوْتًا بِالْجُدَامِ لِحَاخِرِ جَوْا مِنْ وَطَنِي... (سماوی، ۲۰۰۶، ب ۸)

(ما نه خوک را با گرگ مبادله می‌کنیم/ و نه طاعون را با سل/ و نه مرگ را با جذام/ پس ای اشغالگران از سرزمینم بیرون روید).

سماوی در این بخش، از هنر رمزپردازی به زیبایی تمام بهره‌جسته و «خنزیر» را به عنوان رمز دشمن غاصب، و «عشب الله» را به عنوان رمز بندگان خالص خدا به کار گرفته است. در قصیده‌ی نهم از سلسله قصائد «نقوش علی جذع نخلة» هم چون قصائد دیگر که خوک و گرگ به عنوان رمز دشمن بکار رفته اند شاعر ملخ «الجراد» را که یکی از ویرانگرترین جانوران است رمز و نماد بیگانگان قرار داده است:

كُلُّ رَادٍ بَشَرِي لَانَ فِي بَغْدَادٍ يَلْجِئُ الرافدينَ تَحْتَهُ لَمَوْأً نَظْمًا لِقَلِّ مَلِيحٍ رَادٍ كِي لِحْجُوعٍ
بِالْبَغْدَادِ الْاَبْنَاءُ وَالْاَحْفَادُ لِانْتَامِينَ رَغِيْفِ الْخَيْفِ رَاعٍ مِنْ فَرْعِ رَعَاةِ الْجِهَادِ (سماوی، ۲۰۰۸، ب ۱۰۷)

(تمام ملخ‌های بشری اکنون در بغدادند/ پس ای گرسنگان سرزمین رافدین «عراق» به هم بپیوندید/ و مزرعه‌ی وطن را از ملخ‌ها پاکسازی کنید/ تا در آینده فرزندان و نوادگان شما گرسنه نمانند/ زیرا به امانت گذاشتن قرص نان/ بخشی از وظایف جهاد و جهادگران است).

شاعر در این ابیات همه را به وحدت دعوت می‌کند و می‌گوید که با هم متحد شوید و بیگانگانی را که امروز در عراق هستند و منابع حال و آیندگان عراق را مثل ملخ می‌خورند از کشور بیرون کنید.

۴-۴- انتقاد از عملکرد سازشگران عراقی با آمریکایی‌ها

خیانت واژه‌ای است که در طول تاریخ بارها ضربات جبران ناپذیری به ملت‌ها وارد کرده است، کشورهای عربی با توجه به موقعیت خوب جغرافیایی در منطقه‌ی خاورمیانه بارها مورد طمع بیگانگان قرار گرفته‌اند، همکاری افرادی از کشور تحت تجاوز با دشمن متجاوز، راه را برای تجاوز راحت‌تر به خاک کشورهای عربی گشوده است. متأسفانه با ورود آمریکایی‌ها به عراق این مسئله پررنگتر شد و بعضی از حکام و ملت عراق باعث شدند دشمن راحت‌تر پایگاه‌های خود را در این کشور ثروتمند راه اندازی کنند. دل سماوی، هم‌چنان که از شعرهایش مشخص است از این مسئله به درد آمده است و به انتقاد از عملکرد و حمایت‌های افراد کشورش از نیروهای بیگانه پرداخته است. اشعار سماوی گاه به انتقاد از عکس‌العمل مردم عراق در برابر بیگانگان و گاه به انتقاد از عملکرد دولت مردان کشورش می‌پردازد که برای رفتارهای ظالمانه‌ی آمریکایی‌ها میدانی فراخ ایجاد کرده‌اند! سماوی در قصیده‌ی «عصفا بهم» از سازشکاران با دشمن انتقاد می‌کند و عملکرد آن‌ها را در مقابل بیگانگان در قالب شعر بیان می‌کند:

رقصوا علی عریع الطبول كأهّهم / لا تقول طبل الأجنبي قروذاً / والكرامة منصباً / فاسترخصموا / أ
فكانوا للغزاة عبيداً / مدواً حذيتاً / ناة رؤوسهم جسراً ... ومثلها كُفَّ خدودا (سماوی،
۲۰۰۶، ب ۱۴)

(با نواختن طبل رقصیدند، گویا که آن‌ها/ برای طبل اجنبی، هم‌چون میمون آفریده شدند/ کرامت را منصبی به حساب آوردند و بزرگی را ارزان فروختند/ در حالی که برای جنگ‌جویان بنده بودند/ سرهایشان را برای کفش‌های جانیان دراز کردند/ مانند پل... و برای کف‌های دست دشمنان، گونه‌ها را دراز کردند).

شاعر در این بند، از نوعی طنز استفاده کرده است و خطاب به سازشکاران می‌گوید که گویی میمونی هستید که با طبل اجنبی‌ها می‌رقصید: یعنی چنان مطیع بیگانگان گشته‌اید که با هر نوایی که می‌نوازند شما هم با آن نوا می‌رقصید و مطیع کامل بیگانگان شده‌اید. شاعر در این ابیات میمون را برای افراد تقلیدگر از دشمن به عنوان

رمز آورده است. و هم‌چنین شاعر در آخر کلام اعلام می‌دارد که سازشگران برای اجنبی‌ها بنده شده و سرشان را مثل پلی برای ورود رزمجویان آمریکایی قرار داده‌اند و گونه‌هایشان را برای سیلی به بیگانگان سپرده‌اند.

سماوی در قصیده‌ی هفتم از «نقوش علی جذع النخلة» سخنان و راه‌کارهای رهبران

مذهبی عراق را به باد مزاح می‌گیرد و این چنین از فتوای رهبران انتقاد می‌کند:

آخرُ متلفُ لمتهُ نُشرَةُ الأخبارِ الإِنِّدُ وَّ دَكُّ بالمُدافعِ «للكوفةِ وَا» لمتَ دارُ «للأنبار» / و

حضرةُ الإمامِ «ما زال عليّ تراه نُظفِ يءِ نارِ حَرِّ قَدِ هِبِ كَوَثِرِ الحوارِ! (سماوی، ۲۰۰۶، ب ۱۰۴)

(آخرین خبرهایی که انتشار یافته/ این است که دشمن با توپخانه‌ها «کوفه» را می‌کوبد/

و شهر «انبار» را نابود می‌کند/ و حضرت امام هم‌چنان بر فتوایش باقی است/ که آتش

کینه‌ی‌شان را با گفتگو خاموش می‌کنیم!)

مزاح نوعی از روش‌های شعرا برای انتقاد از مسائل است. مزاح همراه خود خنده

می‌آورد ولی خنده‌ای که حرف‌هایی بسیار کوبنده برای گفتن دارد. در این بند، شاعر

فتوای سران و رهبران مذهبی عراق مبنی بر حل مشکلات از طریق مذاکره و فراموش

کردن آتش کینه را به باد مزاح و انتقاد می‌گیرد چرا که دشمن با توپ‌های جنگی، کوفه

را ویران نموده است.

زبان شعری یحیی سماوی در آن دسته از اشعارش که حاوی مضامین مقاومت

است متفاوت می‌باشد: گاه برای بیان مقصودش از رمز استفاده می‌کند و گاه اسطوره و

گاه کنایه و گاه در بیانش صراحت به کار می‌برد و هر کدام این بیانات مختلف، نسبت

به مقصود شاعر و شرایط متفاوت است. ولی این شاعر در انتقاد از سران و ملت عرب

تقریباً از یک نوع بیان استفاده کرده است و آن بیانی صریح و به دور از کنایه می‌باشد.

سماوی به صورت آشکار و صریح، از سازش اعراب با بیگانگان انتقاد می‌کند و این

زبان صریح، گویای این مطلب است که شاعر از سازش برخی عوامل و مردم، رنج

فراوانی را متحمل می‌شود و با زبان آتشین به انتقاد از این سازش‌ها می‌پردازد.

حَطَّرُ يَهْمَدُ الأوطانَ / فِي حَلِيَّاتِ نَاعاصِرِ رةٍ: / القالِقَمَةُ حاسِرَةُ / فواتِحِ الأَبوابِ نِصفَ اللَّيْلِ /

للأباطِ رةٍ (سماوی، ۲۰۰۸، ب ۹۹)

(خطرناک‌ترین چیزی که سرزمین ما را تهدید می‌کند/ در روزگار معاصرمان:/ رهبران دلال/ و بازکنندگان درها در نیمه شب/ به روی مفسدانند).

شاعر بار دیگر مثل مضمون شعر قبلی ابراز می‌دارد که آنچه وطن ما را تهدید می‌کند سستی فرماندهان و اطرافیان است که نصف شب در را باز می‌گذارند و اجازه‌ی وارد شدن را به مفسدان می‌دهند. همان‌طور که قبلاً گفته شد صراحت زبان شعر سماوی در هیچ قسمت شعرش به اندازه‌ی صراحت در انتقاد از ملت و دولت عراق نیست. شاعر در قصیده‌ی «ذعر» چنین می‌گوید:

مادامَ اللهُ لَّ لِّ والطَّاعِنَةُ / شانِ بستانِ القبيلةِ /.. بلاعِ العراقِ نوهٌ /.. املقَتَ لَمَّ السَّماسرةُ
العمولةُ (سماوی، ۲۰۰۶، ب ۳۶)

(تا زمانی که بیماری سل و طاعون/ در بستان قبیله «وطن» فرش انداخته‌اند/.../ عراق را مردمانش فروختند/ و دلالان در برابر حق دلالی عراق را تسلیم کردند).

شاعر به صراحت می‌گوید که عراق را عراقی‌ها فروختند و در مقابل حق دلالی، کشورشان را تسلیم بیگانگان کردند. سماوی برای بهبود اوضاع عراق امیدوار است البته دین‌گریزی و لذت‌جویی مردم عراق را مانع از آن می‌داند که مصلحان و فاتحانی هم-چون «صلاح‌الدین ایوبی» ظهور کنند و اوضاع نابسامان را سامان دهند؛ صلاح‌الدین ایوبی شخصیتی تاریخی می‌باشد که فاتح جنگ‌های صلیبی بوده است. شاعر در این قسمت لذت‌جویی و دین‌گریزی مردم را مانع ظهور قهرمانانی می‌داند که به عنوان رهبر باعث پیروزی کشور بر بیگانگان شوند:

کیفیه قومٌ فی جموعِ نطِّحُ الدینِ / و نحنُ طَاحُ «دلاح» / فیفوسه مُنْطَلَبَةٌ بَدَ لِبُرْیْدَةٍ زَائِلَةٌ بِ
«الدِّینِ» کَلِیفَ یَضَوْعُ مُحْسِنًا رَّةً / ولیدنا و دادا / إن کاند قینار / یر یخرب نعمة لذویح
إنسان نضالاً... / واختطاف امرأة شهامة .. نوسفه یت آمرج هادا؟ (سماوی، ۲۰۰۶، ب،
۱۱۴-۱۱۵)

(چگونه ممکن است که در میان ما «صلاح‌الدین» به پا خیزد/ در حالی که هیچ قابلیت‌ی در وجود ما نیست/ و لذت‌گذرا را جایگزین دین نموده‌ایم/ چگونه صبح ما با شادی شروع می‌شود/ و شب ما با صمیمیت و دوستی/ در حالی که بین ما افرادی هستند که/

خرابی‌ها را نعمت می‌بینند/ و ذبح انسان را درگیری / و ربودن زن را شهامت.../ و خراب کردن خانه‌ی امن را جهاد).
شاعر با بیان این حقیقت‌ها اعلام می‌دارد که اگر مردمی دنبال پیروزی هستند و می‌خواهند که فردی قهرمان از بینشان ظهور کند باید راحت طلبی را کنار بگذارند و دین را برای خود، راهنمایی دلسوز قرار دهند.

۴-۵- دعوت به بیداری

جنگ یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از آغازین روزهای حیات بشر تا به امروز همواره زندگی او را تحت تأثیر قرار داده است و هیچ‌گاه اجازه نداده تا جامعه‌ی انسانی روی صلح و آرامش واقعی را به خود ببیند. در این میان افراد جامعه از جمله شعرا وظیفه دارند که مردم را در برابر نابرابری‌ها و ظلم‌ها بیدار کنند و با سلاح قلم خود مردم را به بیداری دعوت کنند. سماوی شاعر معاصر عراق پس از ورود آمریکایی‌ها به خاک کشورش این وظیفه را دریافته و به ادای آن تن در داده است.

شاعر در قصیده‌ی «نقوش علی جذع نخلة» با مطرح کردن دو حالت خوشی و ناخوشی وطن، مردم را به بیداری دعوت می‌کند تا آن‌هایی که دنبال خوشی وطن هستند، بدانند که دنبال چه چیزهایی بروند تا وطنشان به خوشی و خرمی برسد:
مَأْضِيقَ الْوَطَنِ! / حِينَ يَكُونُ وَاحِقًا / عٌ فَيَلْمُ لِللَّاحِ حَتَّىٰ لَمَّا رَحِبَ الْوَطَنِ! / حِينَ يَكُونُ خِيْمَةً
أُوتَادُهَا الْأَمْثَلُ الْوُؤْدِيُّ لَبُّ مِنْ وَاقِهَا الضَّغْنُ (سماوی، ۲۰۰۸، ب ۱۱۶)
(وطن چقدر تنگ است! / زمانی که دشتی باشد / که فاتح اشغالگر در آن می‌چرد / چه گسترده است وطن! / زمانی که خیمه‌ای باشد که میخ‌هایش امنیت و دوستی باشد / و به ایوانش کینه نزدیک نشود.)

سماوی این‌گونه به مردم عراق هشدار می‌دهد که اگر خواهان این هستید که وطنتان در آسایش و راحتی باشد باید که بیگانگان را از خاک کشورتان بیرون برانید، سخنان شاعر مردم را به بیداری دعوت می‌کند تا از خوابی که برایشان سستی آورده بیدار شوند و مقابل ظلم و ستم تجاوزگران بایستند. در بند بعدی شاعر برای بیدار

کردن مردم از پند و هشدار استفاده می‌کند. سماوی به عنوان یک شاعر وطن دوست به میهنش عشق می‌ورزد و حاضر نمی‌شود کشورش در دست بیگانگان باشد. وی رسالتی بزرگ به گردن دارد و می‌داند رسالتش را باید با قلمش به انجام رساند، رسالت وی در زمینه‌ی فرهنگی به ثمر می‌رسد، آن هنگام که با قلمش مبارزات خود را علیه بیگانگان اعلام می‌کند:

حاشاک تشرُّ للغیوةُ روُّ داهُ لمَّتْ مدِّ قمتَ کمالنخیلِ عنیدا / لازالفیکَ من «لحسین» قیةُ /
تأیْلخنوعَ وِإِنِّهاحَ وریدا (سماوی، ۲۰۰۶، ب، ۱۲)

(مبادا که برای جنگ‌جویان «اشغالگران» گل برافشانی / تو هم چون نخل سرکش خلق گشته‌ای / مادامی که اندکی از روحیه‌ی «حسین» در وجود تو باشد / از خیانت ابا می‌ورزی، اگر چه رگ گردن زده شود!)

شاعر مردم را برحذر می‌دارد از اینکه مبادا جلوی آمریکایی‌ها گل افشانی کنید چرا که شما مثل نخل سر بلند آفریده شده‌اید یعنی کاری نکنید که سبب سرافکنده‌ی شما شود، شما سروری مثل امام حسین (ع) داشته‌اید. پس از خیانت حتی به قیمت کشته شدن تنان کناره‌گیری کنید. ابیات شاعر بار دیگر عراقی‌ها را به کربلا ارجاع می‌دهد، وی از بزرگواری مردی بزرگ یاد می‌کند که برای حق فدا شد. ابیات بالا گویای این حقیقت است که برای مبارزه باید امام حسین (ع) را الگو قرار داد و از این‌که مثل بزرگان و مدعیان دین بر بیگانگان سجده می‌کنند شرم کرد.

سماوی در قصیده‌ای دیگر، بهبود اوضاع جهان را در گرو این می‌داند که اشخاصی مثل بوش و نسلش از روی زمین برکنده شوند:

فأجیالُ العَلابدِ أتكونأحسَ نَحالاً / مادام أن الغد / لیثشهُ دَ ولادَة وحشٍ
جدیداً / ه: / جورج بوش الحَ فمید (سماوی، ۲۰۰۹، ص ۷۹)

(آیندگان می‌بایست که حالی بهتر داشته باشند / مادامی که فردا به خود نیند / هرگز ولادت وحشی دیگری / که نامش: / «جورج بوش نوه» است).

شعر گویای این حقیقت است که آیندگان برای این‌که حالی بهتر داشته باشند، شخص ظالمی از نسل جورج بوش نباید بر آن‌ها حکومت کند. به این ترتیب سران

جور مخصوصاً جورج بوش عامل بدبختی ملت‌ها معرفی می‌شود.

۴-۶- اعتراض به تهاجم فرهنگی

هر بیگانه و متجاوز با ورود خود به خاک کشوری هرج و مرج و ناآرامی پدید می‌آورد و این هرج و مرج در کشور عراق هم پس از ورود آمریکایی‌ها به خاک این کشور دیده می‌شود؛ بعد از ورود بیگانگان به خاک عراق، نابسامانی‌های زیادی در خاک این کشور به وجود آمد که شاعر در بیان این نابسامانی‌ها این‌گونه می‌سراید:

مِنْ وَطَنِ / لِأَمَانٍ فِيهِ! / كَيْفَ لِأَمَانٍ يَزَ / بَيْنَ سَيْفِ «عُرْوَةَ بِنِ السُّورِدِ» وَ سَيْفِ / «هُوَلَاكُو» / بَيْنَ «عِمَامَةِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ» وَ «قَلَنْسُوَّة» / «تَيْمُور لَنْگ» / بَيْنَ «رِّ الْرِيَّاحِي» وَ «زِيَاد بِنِ أَبِيهِ» / بَيْنَ «الْحَلَّاجِ» وَ «الْحَجَّاجِ» / قَدَّاسَةً بَدَلُوا «صُورَةَ الْكُرْسِيِّ» / بِآيَةِ الْكُرْسِيِّ / «رِ الْأَبْيَضِ» «بَلَّحَ حَجْرَ الْأَسْوَدِ»؟ (سماوی، ۲۰۰۹، ص ۳۹)

(از وطنی که / امنیتی در آن نیست / چگونه می‌توانم تشخیص دهم / شمشیر «عروه بن الورد» را از شمشیر هولاکو / عمامه حسن بصری را از کلاه / تیمور لنگ / حر ریاحی را از زیاد بن ابیه / حلاج را از حجاج / آنان ریاست و میزنشینی را با آیه الکرسی عوض کردند / و کاخ سفید را با حجر الاسود!)

شعر گویای شبهاتی در جامعه‌ی عراق است که تشخیص حق و باطل را از هم سخت کرده است! عاملان این آشفتگی بیگانگان هستند که الکرسی (صندلی ریاست) را به آیه الکرسی عوض کرده‌اند و حجرالابيض (کاخ سفید) را با حجر الأسود! و این‌ها همه گویای فریب‌کاری بیگانگان می‌باشد. شاعر با هنرمندی کم‌نظیری، حجم وسیعی از تهاجم فرهنگی بیگانگان را در جامعه‌ی عراق نشان می‌دهد که دشمن چگونه با تبلیغاتش فرهنگ خود را برای مردم عراق غالب کرده و سعی دارد فرهنگ اصیل اسلامی را از ذهن‌های ایشان پاک کند.

شاعر در قصیده‌ی «اطلقوا سراح وطنی من الاعتقال» از فسادهایی که بیگانگان در کشور عراق به پا کرده‌اند سخن می‌گوید و خواهان رهایی از این فسادها و اوضاع آشفته می‌باشد:

است بدلو! / بکوفیتی خود... / بخصای دبابه... / بجدیقعی ند ق... / بنخیلی أعمدة کونکرتیه... / بالقرآنمخلة سترتیز... / ودماً بمیاه الینوع... / و ساندویشة ماکدونالد بخبز أمی... / لعتة لیا الوطن... (سماوی، ۲۰۰۹، ص ۳۲)

(عوض کردند / چفیهام را با کلاه خود / اسبم را با تانک / باغم را با خندق... / نخل هایم را با ستون های بتنی / قرآن را با مجله ی سترتیز... / و آب چشمه ها را با خون / نان مادرم را با ساندویچ مکدونالد... / و وطن را در زنجیر کردند...)

بیگانگان با ورودشان به خاک عراق، تلاش کردند فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ اصیل اسلامی، عربی کنند. آنان اشیای غربی را وارد خاک این کشور کردند و به تبلیغ آن ها پرداختند. شاعر این اشیا را بر می شمارد و اظهار می دارد که چگونه مجله ی سترتیز جایگزین قرآن شد و خون به جای چشمه ها نشست و ساندویچ رستوران ماکدونالد جای نان مادر را گرفت.

سماوی گاهی سرزنش کردن مردم را وسیله ای برای هوشیار کردن آن ها می داند و ضمن اشاره به اقدامات ننگین نیروهای آمریکایی علیه دین در عراق، مردم را برای به پا خاستن علیه آن ها فرا می خواند:

کفاک هذا العار / یاأمة الله انھضي... / کفاک هذا العار / من قبل یظہر قلیل القهر بالذحی / علی بقية النهار / و قبل یأمرک « القرآن » / أهو د الأمصار (سماوی، ۲۰۰۶، ص ۱۵۳ / ۱۵۴)

(تو را این ننگ بس است / ای امت خدا به پا خیز... / تو را این ننگ بس است / قبل از آن که شب بشکند / و اندک باقی مانده ی روز را با تاریکی بپوشاند / و قبل از آن که قرآن آمریکایی گردد / یا / شهرها یهودی شوند).

۴-۷- کاربرد آیات قرآن در اشعار ضد آمریکایی سماوی

قرآن کریم شالوده ی خلل ناپذیر بنای فرهنگ غالب جوامع اسلامی است. از این رو تأثیر زیبایی های لفظی و معنوی آن در شکوفایی استعداد های هنری و اندیشه ی خلاق شاعران مسلمان امری مسلم و انکار ناپذیر است. این حقیقت باعث شده تا بخشی از

پژوهش‌های ادبی در زمینه‌ی بررسی نقش قرآن در طراوت روز افزون حیات ادبی جوامع اسلامی صورت گیرد. در دهه‌های اخیر، تلاش مداوم شعرا و ادبای سرزمین‌های ستم‌زده در ابلاغ پیام آزادی‌خواهی به گوش جهانیان و الهام‌پذیری ایشان از مضامین و مفاهیم والای قرآن کریم، تبلور خاصی یافته است.

شاعر پایداری عراق، یحیی سماوی با تمسک به قرآن به منظور مبارزه با ظلم و اشغال، قلم بدست گرفته و با سروده‌های خود به تحریک حس آزادی‌خواهی و مقاومت هموطنان و هم‌کیشان خود پرداخته است و از مفاهیم و ارزش‌های والای قرآنی برای تعبیر از احساسات خود بهره برده است. سماوی برای بهبود اوضاع کشورش و دعوت مردم به مقاومت، از آیات قرآنی و آموزه‌های دینی در شعر خود بهره برده است:

أَعِدُّوا لَهُمْ مَا لَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ اللَّسَانِ / وَ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ خَيْلٍ طَبَّ الْعِصْمَاءِ /
الْبَيَانِ / ذُو دَوَالِحٍ أَيْ لِبَالٍ / وَ عَطِلَ رُضِجَ صَنَاتٍ بِالْأَشْعَارِ / حَيْفِي رَلْقَاتِلُ الْمُخْتَلُ مِنْ
بِسْتَانِنَا / نُوسْتَعَادُ الدَّارَ (سماوی، ۲۰۰۶، ب ۱۰۳/۱۰۴)

(خود را به هر آنچه که دشمنان را - که همان دشمن خداست - وحشت زده می‌سازد، مجهز سازید/ و با خطبه‌های با ارزش /، با قدرت زبان/ و سحر بیان/ از این خاک و مال/ و آبروی زنان عقیف با شعر دفاع کنید/ تا این‌که قاتل اشغالگر از بستانمان بگریزد/ و این خانه بازستانده شود).

در ابیات فوق شاعر با اشاره به آیه‌ی ۶۰ سوره مبارکه انفال زبان گویا، فریاد، شعار و خطبه‌های آتشین را در نبود مهمات جنگی از مصادیق «ما استطعتم» معرفی می‌کند و به نوعی شاعران و خطیبان را نیز در شرکت کردن در این مبارزه فرا می‌خواند که از زبان، شعر و ادبیات خود در راه مقاومت استفاده کنند.

﴿أَعِدُّوا لَهُمْ مَا لَهُمْ مِنْ قُوَّةٍ مِمَّنْ يَبْغُونَ بِهِ وَاللَّهُ يُدْعُوَكُمْ...﴾ انفال/ ۶۰
سماوی در بخش دیگری از شعر خود تمام کسانی را که به عراق با اهداف مختلف آمده‌اند مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به درستی و تقوای الهی دعوت می‌کند:

يَكُلُّ مَنْ جَاؤُوا إِلَيَّ وَلِيْمَةَ «العراق/مِنَسَاةٍ... وَمَعْرَابِينَ.../وَاحْتِينَ عَنِ اسْلِقِهُ/ لَمَعِ
الَّتِي بَهَتْ عِبْدُ الْأَعْنَاقِ لِتَقُولَهُ... بِه.../فَلَيْسَ مَعْكَارِمِ الْإِخْلَاقِ كُلِّ نَهْلِيحَةٍ «علي مائده
النِّفَاقِ (سماوی، الف ۲۰۰۶، ص ۱۱۰)

(ای تمام کسانی که بر ولیمه‌ی عراق وارد گشته اید/«اعم از» دیپلمات‌ها... و از
رباخواران.../ و جستجوگران بازارهایی/ برای کالاهایی که به واسطه‌ی آن‌ها گردن‌هایی
به بردگی گرفته می‌شود/ تقوای الهی پیشه کنید.../ چرا که به دور از کرامت اخلاقی
است/ خوردن گوشت مردار بر سر سفره‌ی نفاق!)

سماوی تمام کسانی را که به ولیمه‌ی عراق آمده‌اند، اعم از سیاستمداران، رباخواران،
و بازاریانی که با کالاهایی انسان را به بردگی می‌کشاند به تقوی الهی دعوت می‌کند و
با اشاره به آیه‌ی سوم از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده خوردن گوشت مردار را بر سر سفره‌ی
نفاق، به دور از مکارم اخلاقی می‌داند. ﴿لَا يَأْكُلُ لَحْمَ الْبَاطِلِ وَهُوَ الْمَكْرُوهُ وَالْحَبْءُ الْمَنْجُوسُ﴾ مائده/۳

شاعر در قصیده‌ی دیگری از اشعارش مسئله‌ی قصاص را پیش می‌کشد و با شاهد
قرآنی مردم را تشویق می‌کند که بیگانگان را به سزای اعمال خود برسانند:
جَهَنَّمَ لَمْ يَأْكُلْ الْعِرَاقُ جَهَنَّمَ أَرْضِيَّةً... وَأَقِيمْ لَهُمْ أُخْدُودًا وَقَدِّبْ اللَّهُ الْقِصَاصَ... (سماوی،
الف ۲۰۰۶، ص ۱۷)

(ای فرزندان عراق آماده کنید جهنم را/ زمینی را... و هیزم‌های آتش را برای آن‌ها به پا
دارید/ خداوند قصاص را واجب کرده است...)

سماوی مردم عراق را به مقابله با دشمن دعوت می‌کند و برای این دعوتش
حکمی از خداوند می‌آورد و می‌گوید که خداوند قصاص را واجب کرده است. شاعر
در این بخش به آیه‌ی شریفه‌ی زیر اشاره کرده است: ﴿لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي
الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَفُونَ﴾ (بقره/۱۷۹)

شاعر به عاقبت کار ظالمان اشاره می‌کند و بر این باور است که عذابی بر آن‌ها
فرود می‌آید و برای این عذاب از سنگ‌های سجیل که در قرآن آمده است یاد می‌کند.
او دشمن را تهدید می‌کند و اعلام می‌دارد که تمام ابزار جنگی شما در مقابل روحیه‌ی

این مسیر به واقعه‌ی کربلا، که درخشان‌ترین سند افتخارآمیز مسلمانان محسوب می‌شود، گذری کرده است.

۳- اشعار سماوی اسناد تاریخی مهمی است که حوادث عراق معاصر را بازتاب می‌دهد. شعر او برای همیشه فرهنگ مبارزه با ظلم و استعمار را بر پیکره‌ی تاریخ این کشور نهاده است.

۴- شاعر در جای جای اشعارش، جانب دین را نگه داشته و برای عمیق‌تر شدن مفاهیم اشعار خود، از آیات قرآنی بهره می‌جوید و با این روش تاثیر اشعار او برای تشویق مردم به مبارزه و بیداریشان چندین برابر می‌شود.

۵- آمریکایی ستیزی، بیان جنایت‌های دشمن اشغالگر در عراق، انتقاد از عملکرد سازشگران داخلی در برابر دشمنان خارجی و بیدار ساختن افکار عمومی از پربسامدترین موضوعاتی است که در اشعار پایداری یحیی سماوی به چشم می‌خورد.

پی نوشت

۱- گوانتانامو نام زندانی است در خلیج گوانتانامو در جنوب شرقی جزیره کوبا که در اختیار ارتش آمریکا قرار دارد. با آغاز جنگ آمریکا علیه تروریسم، بازداشتگاه گوانتانامو، محل نگهداری افرادی شد که متهم به عضویت در گروه‌های تروریستی هم‌چون القاعده هستند. ابوغریب نیز، نام زندانی در ۳۲ کیلومتری غرب بغداد است. این زندان به خاطر جنایات صدام حسین و رژیم بعث عراق در شکنجه و اعدام مخالفان بخصوص شیعیان به شهرت بین‌المللی رسید و در سال ۲۰۰۴ میلادی و پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا به محل نگهداری زندانیان عراقی تبدیل شد.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم

-سعود، عبدالعزیز (۱۹۹۵م)، معجم البابطين، هیئة المعالم، ج ۵.

-سماوی، یحیی (الف ۲۰۰۸م)، البكاء علی کتف الوطن، دمشق، دارالتکونین.

----- (۲۰۰۹م)، شاهدة قبر من رخام الکلمات، دمشق، دارالتکونین.

- (الف ۲۰۰۶م)، قلیک... لا کثیرهن، استرالیا.
- (ب ۲۰۱۰م)، لماذا تأخرت دهرأ؟، دمشق، دارالینابیع.
- (ب ۲۰۰۸م)، مسیحة من خرز الکلمات، دمشق، دارالتکویین.
- (ب ۲۰۰۶م)، نقوش علی جذع النخلة، دمشق، دارالتکویین.
- شکری، غالی (۱۳۶۶هـ.ش)، ادب مقاومت، ترجمه محمد حسین رحمانی، تهران، نشر نو.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶هـ.ش)، انواع ادبی، چاپ پنجم، تهران، فردوس.
- علوان، علی عباس (۱۹۷۸م)، تطور الشعر العراقي العربي، بغداد، وزارة الثقافة.
- الکامل، فارس (۲۰۰۸م)، «العراق الاول دائما» (آخرین بازنگری ۲۲ فروردین ۱۳۸۹).
- <http://www.alnoor.se.cg.asp>
- کنفانی، غسان (۱۳۶۲هـ.ش)، ادبیات مقاومت در فلسطین اشغال شده ۱۹۶۶-۱۹۴۸، ترجمه ی موسی اسوار، چاپ دوم، تهران، سروش.

يحيى السماوي مظهر لنضال أمريكا في الشعر العراقي المعاصر

عبدالاحدغيبى^١

ليلا جبارى^٢

الملخص:

إن المقاومة لها دور بارز في الشعر العراقي الحديث إثر الاوضاع الاجتماعية و السياسية الخاصة في هذا البلد. و الشعراء العراق المعاصرون اتخذوا الكلمة سلاحاً للتعبير عن مقاومة الشعب أمام الاضطهاد. من الشعراء العراقيين الذى رفض فى اشعاره سيطرة نظام الحاكم على المجتمع العراقي و حضور المحتلين الامريكيين هو يحيى السماوى. إنه بشعره احتج على الاستبداد و الاستعمار محاولاً الكشف عن جرائم أمريكا و ما يرتكب من نهب الاموال و الخراب و الازهلب فى العراق و احياناً يستخدم اسلوب الفكاهة و السخرية و احياناً يتحدث بصراحة.

إنه يريد أن يروح ثقافة المقاومة فى البلدان العربية خاصة فى العراق عبر قراءة جديدة لأحداث تاريخية كحدث كربلاء المأساوى و يقدم للعالم المفهوم الحقيقى للعدالة الاجتماعية و السياسية .
هذا البحث يعالج مضامين شعر المقاومة فى آثار يحيى السماوى الشعرية بعد احتلال العراق سنة ٢٠٠٣ حتى ٢٠١١م.

الكلمات الرئيسية: العراق، الشعر العربي المعاصر، المقاومة، يحيى السماوي.

١. أستاذ مشارك فى جامعة الشهيد مدنى بأذربيجان.

٢. ماجستير فى اللغة العربية و آدابها.